

ماهی کوچولو و سنگ

ماهی کوچولو به سنگِ بزرگ گفت: مادر بزرگم از مادر بزرگش شنیده که تو سال‌هاست توی این رودخانه‌ای. بایدن این همه ماهی دلت نخواسته مثل ماهی‌ها شنا کنی؟
سنگ با تعجب پرسید: دل یعنی چه؟
ماهی کوچولو کمی فکر کرد و گفت: من که بلد نیستم با تو حرف بزنم.
سنگ گفت: مادر بزرگِ مادر بزرگت هم همین را می‌گفت.

فریبرزلستانی (آشنا)

